



◆ دکتر منصور تاراجی
(سردبیر سابق روزنامه اطلاعات)

سلطه هنوز نفس می کشد؟!!

رابطه نفت و حقوق بشر؟

چرا آمریکا با کشورهای دموکرات چون برزیل و

ونزوئلا مبارزه می کند

استعمار نو چهره تازه استعمار قرون گذشته

دوران استعمار با سلاح های آتشین سپری شده است

سلطه گران ثروت آفریقا را به یغما می برند

پنجاه میلیارد دلار بخشودگی بدهی آفریقایی ها حجم

بسیار اندکی است در برابر کوهی از سودی که ۷ کشور

صنعتی از این قاره می برند

در آمریکای جنوبی بودند که در قرن نوزدهم علیه دولت مادرید که بسیاری از کشورهای این قاره مستعمره آن بود قیام کرده و طی جنگ های خونین موفق شدند ونزوئلا، کلمبیا و بسیاری دیگر از سرزمین های این قاره را مستقل کنند)

توده ها به ویژه طبقه کارگر و متحدانش، فقرای شهری، بیکاران، جوانان انقلابی، زنان و روشنفکران پیشرو است
"هوگو چاوز" رهبر جنبش "بولیوار" (سیمون بولیوار و سن مارتین دو ژنرال برجسته ارتش اسپانیا

دگراندیشان مایوس گمان می کنند که مبارزه پارلمانی نمی تواند هیچ نقشی در انقلاب ایفا کند. این امر نشان می دهد که آنان هیچ درکی از انقلاب ندارند. مزیت بزرگ انقلاب شهری (علی رغم حمایت پر اهمیت دهقانان) مبنی بر جنبش فعال

"هوگو چاوز" رئیس جمهور ونزوئلا که آمریکا به خون او تشنه است سال ها است که علیه سلطه بیگانگان بر آمریکای لاتین مبارزه می کند. او از حامیان دموکراسی است و در هر انتخاباتی ناظران سازمان ملل متحد، آزادی انتخابات و دموکراسی را در ونزوئلا تایید کرده اند معذالک واشنگتن شبانه روز علیه دموکراسی ونزوئلا توطئه می کند و عریده می کشد که چاوز باید برود. چون چاوز کمپانی های آمریکایی را ملی کرده و منافع کاپیتالیست های آمریکا را به خاطر انداخته است. حیرت آور است آقای بوش در هر نطقی خود را قهرمان دموکراسی معرفی می کند اما دموکراسی از نوعی که منافع آمریکا را تامین کننده تهدید. باند بوش نمی پذیرد که "چاوز و مردم ونزوئلا" صاحب نفت خود باشند. نفت و دموکراسی بوش رابطه مستقیم دارند.

"هوگو چاوز" که اخیرا در اجتماع بزرگی در "پرتوآلکرد" (برزیل) سخن می گفت به شدت روش کسانی را که در انتخابات به حربه تحریم متوسل می شوند مورد حمله قرار داد و افزود "آنها مردمانی مایوس اند که از قواعد بازی در نظام پارلمانی آگاهی ندارند".

تحریم

بد نیست دریابید که اپوزیسیون ایرانی داخل و خارج از کشور که تحریم انتخابات را تبلیغ می کردند چقدر به منافع ملی میهن لطمه زدند و عدم آگاهی



آنها چگونه باعث شد تا اصلاح طلبان انتخابات شوراها و مجلس را بیازند. پدتر از نیروی های داخلی، مفسران به اصطلاح مسایل سیاسی ایران در خارج از کشور که سال هاست از تحولات جامعه ایرانی بی خبرند و در تلویزیون های بیگانگان فریاد می زدند در انتخابات شرکت نکنید. یک مرد سیاسی جهانی گفته است (یک گرم پراتیک از یک تن تئوری ارزشمندتر است) چاوز گفت: ونزوئلا برای دفاع از خود در برابر بر تهاجمی سلاح در

دست آماده شده و نیروهای نظامی این کشور شاهد مدرنیزاسیون در منابع و سیستم های تسلیحاتی هستند. ولی این نیروها به منظور دفاع از حق حاکمیت این کشور فعالند ونزوئلا به هیچ کجا حمله نخواهد کرد اما به ونزوئلا حمله نکنید زیرا ما را در دفاع از خود و طرحی که در حال پیشبرد آن هستیم آماده خواهید یافت.

در آمریکای جنوبی دو کشور بیش از دیگران پایبند دموکراسی و ضد سلطه هستند. برزیل (پرتغالی زبان) به رهبری "لوتیس لولا داسیلوا" رئیس جمهوری آن کشور و ونزوئلا (اسپانیولی زبان) به رهبری "هوگو چاوز" هر دو کشور به تصدیق کشورهای جهان، نظامی دموکراتیک، آزاد و متکی به ملت های خود دارند. در آرژانتین و اروگوئه نیز جنبش هایی پدیدار گشته است که ضد سلطه امپریالیسم آمریکا است. حیرت آور است که رایش وزیر امور خارجه آمریکا خود را مبشر حقوق بشر و دموکراسی می داند در حالی که علیه کشورهایی که دموکرات ولی ضد سلطه هستند مرتب توطئه می کند.

چاوز در میدان "پرتو الگرد" گفت: هنگامی که امپریالیسم احساس ضعف می کند به نیروهای سرکوبگر متوسل می شود. حمله علیه ونزوئلا نشانه ضعف است. ضعف ایدئولوژیک، امروزه تقریبا هیچ کس از نتولیبالیسم دفاع نمی کند تا



سه سال پیش تنها فیدل کاسترو این نقدها را در جلسات انتخاباتی خود مطرح می کرد در آن هنگام ما احساس تنهایی می کردیم. ولی امروزه در بسیاری از کشورها آمریکا و جایت خود را از دست داده است

چاوز افزود: اگر جنوب (کشورهای فقیر جهان سوم) زیر بمباران ناوگان های آمریکایی و بمب های کشنده بوش شکست بخورد اگر نتوانیم سازمان لازم را در جنوب برای مقاومت در برابر نئو لیبرالیسم به وجود آوریم و دکترین بوش بر جهان تحمیل شود در این صورت دیری نخواهد گذشت که جهان نابود شود.

تغییر روش

سلطه گران روزگار ما از هشتم ماه مه ۱۹۴۵ (پایان جنگ دوم جهانی) متد و روش استعماری خود را به تدریج و با گذشت زمان تغییر داده اند. قدرت های استعماری در قرون هجدهم و نوزدهم با ناوگان های جنگی، و سلاح آتشین به سرزمین های دیگران حمله کرده و نیروی کار و منابع اولیه آنها را به یغما می بردند. حیرت آور است اگر بدانید انگلستان که وسعت آن ۲۶۰ هزار کیلومتر مربع است بیش از ۳۰ میلیون کیلومتر مربع مستعمره داشت که در راس آنها شبه قاره هند بود و فرانسه با ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع بیش

از ده میلیون کیلومتر مربع مستعمره در اختیار داشت. پس از جنگ دوم به علت آگاه شدن ملل مستعمره جنگ های مسلحانه علیه استعمارگران به وجود آمد از جمله جنگ الجزایر، ویتنام، کره، ماداگاسکار، کینا، آفریقای جنوبی، خاورمیانه و ده ها کشور دیگر، سلطه گران فوراً تاکتیک خود را در حفظ سلطه بر کشورهای دیگر تغییر دادند و همچنان به تاراج منابع اولیه سایر کشورها ادامه دادند.

حقوق بشر

استعمارگران از شعار حقوق بشر نیز استفاده می کنند تردید نیست که اجرای حقوق بشر خواست و نیاز همه انسان های عصر ماست. اما حقوق بشر، با سلطه کاملاً مغایرت دارد. سازمان های طالبان، بن لادن و القاعده را به وجود آوردن و از آنها در جهت اهداف خود بهره گرفتن و بعد فریاد زدن که باید با تروریسم مبارزه کرد مسخره است. همانند همان دزدی که خود فریاد می زد بگیرد دزد را بگیرد.

اجلاس کشورهای صنعتی

مسخره ترین نمایش، اجماع ۷ کشور صنعتی است که دور هم جمع شدند تا در باره کمک به کشورهای فقیر تصمیم بگیرند. اخیراً این ۷ کشور در انگلستان گرد هم آمدند و تصمیم گرفتند پنجاه میلیارد دلار از به اصطلاح بدهی سیزده کشور آفریقایی را ببخشند. اما جریان این بذل و بخشش چگونه است؟ کشورهای آمریکایی تولیدکننده اصلی کاکائو، قهوه، ذرت و دیگر محصولات هستند که فقط در آب و هوای منطقه آفریقایی تولید می شود. چند کمپانی بزرگ جهانی تولید این کشورها را می خرند و قیمت آنها را در بورس های جهان تعیین می کنند. برای مثال اگر قیمت واقعی یک کیلو قهوه "ایکس" باشد کمپانی های خارجی چون انحصار خرید آن را دارند به میل خود به مراتب به زیر قیمت واقعی آنرا از تولیدکنندگان خرید می کنند و در بورس های جهان با قیمتی به مراتب بیشتر به فروش می رسانند. نه تنها بورس قیمت مواد اولیه آفریقا از جمله تولیدات کشاورزی و معدنی در دست کمپانی های آمریکایی و اروپایی است بلکه وامی که در اختیار تولیدکنندگان قرار می دهند با بهره های بالایی است به طوری که بخش اعظم بدهی های آفریقایی ها را همین وام های با بهره



بالا تشکیل می‌دهد. روسای هفت دول صنعتی با افتخار فریاد می‌زنند پنجاه میلیارد دلار از بدهی ۱۳ کشور آفریقایی را می‌بخشم اما این بخشش، رقم بسیار کوچکی از ثروت آفریقایی هاست که سلطه‌گران هر سال به یغما می‌برند. می‌بینید که چگونه استعمارگران تغییر تاکتیک داده و هنوز به سیاست‌های استعماری خود ادامه می‌دهند منتهی به شیوه نوین.

سازمان تجارت جهانی

یک مثال در باره سازمان تجارت جهانی بزنیم. پایه‌گذاران سازمان تجارت جهانی کشورهای بزرگ استعماری هستند. وقتی تعرفه‌های گمرکی بین کشورهای عضو کاهش یابد برنده قدرتمندان هستند که صنایع پیشرو کشاورزی کاملاً نوین دارند. به زبان ساده بگویم ضعفا در این نبرد بازنده خواهند بود. زیرا محصولات آنها از نظر قیمت و کیفیت نمی‌تواند با تولیدات کشورهای قدرتمند رقابت کند. کشوری چون چین می‌تواند با تولیدات دیگر کشورها رقابت کند ولی نه کشورهای کوچکی که به تاژگی توانسته‌اند تکانی بخورند...

جنگالی که اخیراً در روابط بازرگانی چین و اروپا به وجود آمد نمایان گر آن است که در سازمان تجارت جهانی کشورهای قدرتمند برنده اصلی هستند نه کشورهای کوچک. تولید ارزان و به وفور تولیدات نساجی چین کارخانه‌های نساجی آمریکایی و اروپایی را به شدت مورد تهدید قرار داد به طوری که اروپا در صدد بر آمد تصمیمات شدیدی علیه محصولات چین اتخاذ کند. چین با شناور کردن "یوان" پول آن کشور تا حدودی اروپا و آمریکا را خرسند کرد.

کپی رایت

سازمان تجارت جهانی تنها مربوط به تسهیلات مبادله کالا بین کشورها نیست. بخش مهم آن در زمینه کپی رایت است. گذشته از آثار هنری و سینمایی زبان آن مطبوعات و کتاب را در بر می‌گیرد. به آنچه می‌نویسم توجه دقیق فرمایید. در شرایط کنونی بابت ترجمه یک کتاب خارجی ناشران ایرانی پول نمی‌پردازند. که اگر بپردازند بهاء کتاب به طور سرسام آور بالا می‌رود. چون ترجمه کتب فارسی به زبان‌های خارجی



بسیار و بسیار اندک است در نتیجه سود کلان نصیب ناشران خارجی خواهد شد که آثار منتشره توسط آنها برگردان به زبان فارسی می‌شود. خوانندگان به بسیاری از آثار نویسندگان خارجی دسترسی دارند. لذا با عضویت در تجارت جهانی و قبول کپی‌رایت تعداد ترجمه آثار نویسندگان خارجی به فارسی افت سرسام‌آوری پیدا خواهد کرد.

کتبی که به زبان انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و دیگر زبان‌های خارجی منتشر می‌شود در تیراژهای یکصد هزار نسخه به بالا است چون تعداد کسانی که به آن زبان‌ها آشنایی دارند به مراتب بیشتر از کسانی است که به زبان فارسی آشنا هستند.

بدین ترتیب کپی رایت جاده یک طرفه است که سود کلانی در یک طرف نصیب سلطه‌طلبان می‌کند.

تیراژ کتاب در ایران بسیار پایین است و اگر قرار باشد برای هر ترجمه مطلبی از نشریات دنیا و یا ترجمه کتاب حق تالیف به ناشران خارجی پرداخت شود به ضرر قاطع صدها ناشر ورشکست خواهند شد و مطبوعات نیز از منابع خارجی محروم می‌گردند.

امروز قدرت‌های بزرگ با در دست داشتن بازارهای جهان از هر جهت و از هر نوع تولید کاملاً بر دنیای سیاست و اقتصاد سلطه دارند و باطل است گفته آنها که می‌گویند عصر استعمار به سر آمده است. استعمار هنوز نفس می‌کشد و خوب هم. متأسفانه کشورهای جهان سوم بیشتر کشورهای دلالی شده‌اند تا تولیدی.

دلالی

چند صد هزار تلفن همراه در دست مردم کشور ما است؟ و هر یک از این دستگاه‌ها چند صد هزار تومان قیمت دارد؟ این یک رقم کالا است. دستگاهی چند گرمی که تکنولوژی آن را در اختیار نداریم. ثروت ملی ما بیشتر به سوی دلالی کشیده است تا به به صوب کالاهای تولیدی.

پس ملاحظه می‌فرمایید سلطه هنوز با قدرت وجود دارد. و سلطه جویان نیروی انسانی و ثروت مردمان جهان سوم و در حال رشد را به لطایف الحیل به یغما می‌برند.

در واقع نفت ما را می‌برند و دانش فنی غیر قابل کپی کردن و پلاستیک به جای آن به ما می‌دهند و این است معنای سلطه.